

## آموزش و پرورش فراگیر مبتنی بر تنظیم استعداد های برتر و خوب و متوسط

rahnama@qabas.net

سیداحمد رهنمایی / دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۶

### چکیده

از نگاه اسلام، حکمت‌آموزی و تزکیه روان، دو سربرگ حیاتی و فراگیر اهداف آموزشی-تربیتی به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که بدون نیل به این مهم، رسالت اصلی تعلیم و تربیت انجام نخواهد پذیرفت. رویکرد عادلانه و حکمت‌آمیز به این دو وظیفه برجسته ایجاب می‌کند که تفکیک استعدادها و برتری دادن برخی بر برخی دیگر در بهره‌وری از دانش و تزکیه روان، مسیر طبیعی خود را به تدریج طی کند؛ نه اینکه از ابتدا بر نظام آموزش و پرورش تحمیل گردد. طرح حاضر، ضمن بازنگری در نظام چندالگویی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، درصدد ارائه الگویی از آموزش و پرورش با تنظیم استعداد های برتر، خوب و متوسط می‌باشد. در این طرح، چپستی و چرایی و چگونگی تنظیم و هم‌افزایی استعداد فراگیران، اعم از متوسط، خوب و برتر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. هدف اساسی از بیان چنین مطالبی این است که با رویکرد نقد و بررسی وضعیت موجود آموزش و پرورش بتوان زمینه را برای ایجاد تحولی مقتضی در محتوا و روش و ساختار آموزش و پرورش به منظور رسیدن به وضع مطلوب-آن گونه که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش انعکاس یافته است - فراهم آورد. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که ضمن توصیف و تجزیه و تحلیل وضعیت جاری الگوهای چندگانه آموزش و پرورش، بر طراحی الگوی آموزش و پرورش فراگیر به مثابه الگوی برتر در مقایسه با سایر الگوهای آموزش و پرورش تأکید می‌ورزد.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش و پرورش فراگیر، الگوهای چندگانه آموزش و پرورش، آموزش و پرورش استعدادمحور، تنظیم استعدادها، سند تحول بنیادین.

امروزه هر کسی به روشنی شاهد گسست نامطلوبی است که میان طیف‌های گوناگونی از استعدادها و توانمندی‌های ذهنی و شناختی بر فضای آموزش و پرورش کشور حکم فرماست. بیشتر مرزبندی‌هایی که هم‌اکنون در بستر نظام آموزش و پرورش کشور در جریان است، بر اساس موازین علمی صورت نمی‌پذیرد. در حال حاضر، نظام آموزش و پرورش کشور به مفهوم وسیع خود دستخوش انواع چالش‌ها و نابسامانی‌هایی است که گزارش اجمالی آنها حتی از ظرفیت این نوشتار فراتر است. ای کاش چنین نابسامانی‌هایی فقط به عرصه آموزش محدود می‌گشت و به قلمروهای تربیت اخلاقی و اجتماعی و خانوادگی و دینی و سایر ساحت‌ها سرایت نمی‌کرد. در این راستا، مسلماً جایگزین‌سازی مدارس دولتی با مدارس غیرانتفاعی تنها راه علاج و برطرف‌سازی چالش‌های پیش روی نظام آموزش و پرورش نخواهد بود. این رهنمود رهبر معظم انقلاب قابل توجه است که فرمودند: «اینکه ما مدارس دولتی را مدام تبدیل کنیم به غیرانتفاعی، معلوم نیست خیلی این یک کار پخته‌ی درستی باشد. حالا اسمش مدارس غیرانتفاعی است. اما بعضی از اینها مدارس انتفاعی است، نه غیرانتفاعی؛ با آن شهریه‌های کذایی که شنیده‌ام از بعضی‌ها می‌گیرند. سطح مدارس دولتی را بالا ببریم تا رغبت خانواده‌ها به این مدارس بیشتر بشود» (سخنرانی در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳/۲/۱۳۹۵).

برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای باشد که امر آموزش و پرورش در آغاز و میانه و پایان دوره تحصیلی و در روند متعارف تحصیلات علمی، فراگیری تخصص‌ها و پیرو آن مرزبندی‌های علمی یا فنی به طور طبیعی صورت پذیرد. در این راستا، رویکرد بدون مرزبندی قرآن در آموزاندن معارف الهی و پرورش نگرش و گرایش و خلق و خوی انسان‌ها بر اساس آن معارف، بسیار الهام‌بخش می‌باشد (از باب نمونه، به آیات بعثت پیامبران مراجعه شود. در این آیات با توجه به تعبیری چون «بَيْنَ النَّاسِ» (بقره: ۲۱۳)، «إِلَى قَوْمِهِمْ» (یونس: ۷۴)، «فِي كُلِّ أُمَّةٍ» (نحل: ۳۶ و ۸۹)، «فِي كُلِّ قَرْيَةٍ» (فرقان: ۵۱)، «فِي أُمَّهَاتِهِمْ» (قصص: ۵۹)، «فِي الْأُمِّيِّينَ» (جمعه: ۲)، سخن از بعثت پیامبران و رسالت تعلیمی - تربیتی آنان برای عموم اقشار جامعه است، نه برای قشر یا اقشار خاص با امتیازات و ویژگی‌های خاص).

این نوشتار کمک خواهد کرد تا دریابیم که می‌توان بدون تبعیض ناروا و بدون جداسازی نخبگان استعدادی از سایر رده‌های استعدادی جامعه فراگیران، اقدام به امر آموزش و پرورش عادلانه و حکیمانه نمود. از میان اسناد بالادستی، «سند تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش» پشتوانه نظری طرح تنظیم خواهد بود. یادآوری می‌شود، طرح پیش رو نخست در چارچوب یک کرسی ترویجی با حضور ناقدان برجسته از جمع کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت ارائه گردید و از دیدگاه‌های اصلاحی و تکمیلی آنان در تنظیم مقاله حاضر بهره‌برداری شد.

## نگاهی به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به مثابه «رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران»، از جمله اسناد بالادستی است که از آغاز تا پایانش و از مقدمه تا مبانی و اصول تا راهبردها و راهکارهایش، به صراحت یا به اشاره، بر حمایت از آموزش و پرورش رسمی عمومی و عادلانه تأکید می‌ورزد. در مقدمه سند تحول چنین آمده است:

تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آرمان‌های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم‌اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام‌بخش جهان اسلام، همراه با تعاملی سازنده و مؤثر در عرصه روابط بین‌المللی است. در بند ۲۶ و ۲۷ و ۲۹ از فصل اول سند تحول، به ترتیب چنین می‌خوانیم:

– نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به‌عنوان عامل اثرگذار اجتماعی و مولد نیروی انسانی و سرمایه فرهنگی و معنوی جهت رشد و تعالی همه‌جانبه و پایدار و اعتلای فرهنگ عمومی مبتنی بر نظام معیار اسلامی؛

– مدرسه به‌عنوان کانون تعلیم و تربیت رسمی عمومی و محل کسب تجربه‌های تربیتی؛

– آینده‌پژوهی و پایش تحولات مؤثر بر تعلیم و تربیت رسمی عمومی به منظور ایفای نقش فعال در مواجهه با چالش‌های پیش رو در عرصه‌های مختلف.

از همه مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر تصریح بیانیه مأموریت و چشم‌انداز، سند تحول به موضوع عدالت است. بیانیه مأموریت و سند چشم‌انداز به مثابه روح و هویت سند تحول به شمار می‌رود. بیانیه مأموریت بدین شرح است:

### بیانیه مأموریت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

وزارت آموزش و پرورش مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرایند تعلیم و تربیت در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت، قوام‌بخش فرهنگ عمومی و تعالی‌بخش جامعه اسلامی براساس نظام معیار اسلامی، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی است. این نهاد مأموریت دارد با تأکید بر شایستگی‌های پایه، زمینه دستیابی دانش‌آموزان در سنین لازم‌التعلیم طی دوازده پایه (چهار دوره تحصیلی سه ساله) تحصیلی به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را به صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش فراهم سازد. انجام این مهم، نقش زیرساختی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی خواهد داشت.

از آن گذشته، کمتر بخشی از ارکان سند تحول را می‌یابی که طی آن به ارزش عدالت و آموزش و پرورش عادلانه تصریح یا اشاره نشده باشد. از جمله در بند ۱۶ و ۲۸ از فصل اول، زیرمجموعه «گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی»، و بند ۳ از فصل چهارم (گسترش و تأمین همه‌جانبه عدالت آموزشی و تربیتی)، همچنین ذیل هدف‌های کلان، بند اول از فصل سوم و سایر موارد، به صراحت از

وصف عدالت سخن به میان آمده است. سند چشم‌انداز تحول نیز در راستای تحقق مأموریت یادشده به این شرح می‌باشد:

نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴، با اتکا به قدرت لایزال الهی، مبتنی بر نظام معیار اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی و قوام‌بخش آنها و زمینه‌ساز جامعه جهانی عدل مهدوی و برخوردار از توانمندی‌های تربیتی ممتاز در طراز جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه؛ الهام‌بخش و دارای تعامل سازنده و مؤثر با نظام‌های تعلیم و تربیتی در سطح جهان؛ توانمند در زمینه‌سازی برای شکوفایی فطرت و استعدادها و شکل‌گیری هویت یکپارچه اسلامی، انقلابی- ایرانی دانش‌آموزان با توجه به هویت اختصاصی آنان؛ کارآمد، اثربخش، یادگیرنده، عدالت‌محور و مشارکت‌جو؛ برخوردار از مربیان و مدیران مؤمن آراسته به فضایل اخلاق اسلامی، عامل به عمل صالح، تعالی‌جو و تحول‌آفرین، انقلابی، آینده‌نگر، عاقل، متعهد، امین، بصیر، حق‌شناس.

#### مدرسه در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴

رعایت حقوق مستضعفان و دفاع از محرومان، عناصر مهم دیگری است که در تعریف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از مدرسه، مورد تأکید قرار گرفته است. در فصل سوم از سند تحول، مدرسه در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ این‌گونه تعریف شده است: مدرسه جلوه‌ای است از تحقق مراتب حیات طیبه، کانون عرضه خدمات و فرصت‌های تعلیم و تربیتی، زمینه‌ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش‌آموزان و تکوین و تعالی پیوسته هویت آنان براساس نظام معیار اسلامی، در چارچوب فلسفه و رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، که دارای ویژگی‌های زیر است:

- تجلی‌بخش فرهنگ غنی اسلامی - انقلابی در روابط و مناسبات با خالق، جهان خلقت، خود و دیگران، «به‌ویژه تکلیف‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، کرامت نفس، امانت‌داری، خودباوری، کارآمدی، کارآفرینی، پرهیز از اسراف و وابستگی به دنیا، همدلی، احترام، اعتماد، وقت‌شناسی، نظم، جدیت، ایثارگری، قانون‌گرایی، نقادی و نوآوری، استکبارستیزی، دفاع از محرومان و مستضعفان و ارزش‌های انقلاب اسلامی» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش).

اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت مندرج در سند تحول، با تکیه بر راهبردهای کلان سند، از موارد دیگری است که روشنای متصدیان و کارگزاران و معلمان و مربیان در راستای ایجاد تحولات فراگیر و عدالت‌محور در ساحت آموزش و پرورش می‌باشد (همان). بند شماره ۵ از هدف‌های عملیاتی و راهکارها در سند تحول، بر «تأمین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت‌های تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب، با توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های دختران و پسران و مناطق مختلف کشور» تأکید می‌ورزد. آنچه با استناد به سند بنیادین تحول آموزش و پرورش به مثابه وضعیت مطلوب به دست می‌آید، لازم است با وضعیت موجود نظام آموزش و پرورش کشور مقایسه شود تا روشن شود چقدر میان وضع موجود و وضع مطلوب فاصله وجود دارد؟

منظور از استعداد، آن توان و نیروی بالقوه‌ای است که در وجود هر انسانی به طور طبیعی نهفته است تا شخص به هنگام ورود به هر نوع فعالیت علمی، فکری، هنری، مهارتی یا بدنی، آن نیرو را فعال کرده، از وجود آن در راستای اقداماتی هرچه کامل‌تر و بهتر بهره‌برداری کند. چنین نیرویی در وجود ما تقریباً در هر شرایطی بیش از سهمی از آن است که به هنگام فعالیت‌های مزبور به کار گرفته می‌شود. بدین ترتیب، اشتباه خواهد بود چنانچه استعداد را همان هوش یا خلاقیت بنامیم؛ هرچند انسان در بهره‌برداری از استعداد نهفته خود همواره نیازمند استفاده از هوش و خلاقیت می‌باشد. برخورداری فرد از یک ضریب هوشی متوسط برای شکوفایی استعدادهايش، کافی به نظر می‌رسد. چه بسیار صاحبان هوش‌بهر فوق‌العاده سرشار که تنها بخش اندکی از استعداد و خلاقیتشان شکوفا شده است و چه بسیار افراد دارای هوش‌بهر متوسط که با صرف همت متعالی خود توانسته‌اند درصد بالایی از استعدادات خویش را شکوفا سازند. در هر صورت، ارائه راهکار برای بهره‌برداری بهینه یا حداکثر از استعداد، هرگز به معنای هوشمندپروری و پرورش انسان نابغه نیست؛ بلکه بدین معناست که چه باید کرد تا انسان از همان نیروی بالقوه نهفته خویش حداکثر بهره‌برداری و دستاورد را در زمینه‌ای خاص یا در زمینه‌های گوناگون داشته باشد؟ (ر.ک: وینهاوس، ۱۳۹۱، ص ۷-۸).

در مقام بهره‌برداری از استعداد، انسان به این نتیجه می‌رسد که همیشه اموری بیش از آنچه تصور می‌کند، از قابلیت ظهور و پیدایش برخوردار است. این واقعیت را می‌شود از این ضرب‌المثل وام گرفت که می‌گوید: «چیزی بیش از آنچه با چشم می‌بینیم وجود دارد». انسان تا زمانی که برای به کارگیری قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود گامی به جلو برندارد، به پشتوانه‌های درونی خویش برای هر چیزی شدن و هر هنر و مهارت و دانشی را فراگرفتن و به هر مقام و منزلتی رسیدن پی نخواهد برد (همان، ص ۱۱).

### طراحی آموزشی نظام‌محور و شکوفایی استعدادها با تکیه بر هوش‌های چندگانه

در طبقه‌بندی الگوهای طراحی نظام آموزشی، به سه دسته از الگوهای شاخص به اسامی «الگوهای کلاس‌محور، الگوهای محصول‌محور و الگوهای نظام‌محور» می‌توان اشاره کرد. از میان این سه دسته الگو، الگوهای به اصطلاح «توسعه نظام‌محور» با هدف «گسترش و تکمیل نظام آموزشی برای هدایت نیازهای یادگیری»، از برجستگی خاصی برخوردار است. این قسم از الگوها بر این مهم تأکید می‌ورزند که «چه نوع آموزشی داده شود و چه نوع آموزشی نباید اجرا شود و چگونه آموزش باید برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی شود» تا شکوفایی استعدادها و بهره‌بری بهتر از دستاوردهای آنها با صرف کمترین هزینه و کوتاه‌ترین زمان به شکل ممکن و مقتضی صورت پذیرد؟ چنین الگوهایی در مجموعه‌های هماهنگ و منظم، نظیر ارتش و سپاه و کلیه نیروها مسلح، همچنین در نظام آموزش و پرورش از سطح پایین تا سطح عالی، نمود و کاربرد دارد (دیناروند، ۱۳۹۰، ص ۸۵-۸۶). به پشتوانه الگوی طراحی

آموزشی نظام‌محور، بهتر و بیشتر می‌توان زمینه‌های لازم و مساعد را برای اجرا و بهره‌برداری از طرح آموزش و پرورش فراگیر بر پایه تنظیم استعدادها فراهم آورد؛ به شرط اینکه هر فردی را متناسب با سطح هوش و استعداد فراگیری فردی‌اش ارزیابی و دریافت کنیم. بر اساس نظریه «هوش چندگانه» - که برای نخستین بار توسط هوارد گاردنر (۱۹۴۳) ترسیم گشته است - هر شخصی دارای استعدادها و هوش‌های گوناگونی برای پذیرش و انجام کارهای گوناگون است؛ جز اینکه هر شخصی ممکن است در یکی از فعالیت‌های مبتنی بر هوش و استعداد لازم سرآمد باشد. پیرو نظریه «هوش چندگانه»، همه ما همیشه فکر می‌کنیم که هوش، یک ماهیت است؛ فکر می‌کنیم دانشمندان و دانشگاهیان، مردمی با فکر و باهوش‌اند؛ اما اگر آنها را به طور مثال در یک بانک به کار بگماریم، ممکن است قادر به پاسخ‌گویی مناسب به مشتریان خود نباشند. تصورات اشتباه ما درباره مردمی که به‌عنوان یک منشی تلفنی یا کارهایی که کمتر هوشمند به نظر می‌رسند، کار می‌کنند چه؟ آیا باید آنها را بدون استعداد تلقی کرد؟ شاید اگر به این افراد یک بوم نقاشی و یک قلم بدهید، خواهید دید که چه شاهکاری خلق می‌کنند. نکته این است که ادراک ما از «هوش» کاملاً تحریف شده است (گاردنر، ۱۳۹۶، های دکنر). بر طبق نظر گاردنر، «هر کسی با داشتن هوش چندگانه خوشبخت است» (همان). هر یک از هوش‌های چندگانه بیانگر بعدی از ابعاد هوش انسان و تعیین‌کننده میزان درک و فهم مبتنی بر هوش اوست. انسان‌ها همه بر اساس نظریه هوش‌های چندگانه، دارای انواع هوش‌ها و هوش‌پرها هستند؛ جز اینکه در بهره‌مندی از کیفیت و میزان هوش، در حوزه‌های طبیعی (nature smart)، بدنی - حرکتی (body smart)، درون‌فردی - شخصی (self smart)، بین‌فردی - اجتماعی (people smart)، منطقی - ریاضی (number smart)، فضایی - تصویری (picture smart)، موسیقی - آهنگین (music smart)، کلامی - گفتاری (word smart)، و وجودی و هستی‌شناختی (existential / cosmic smart)، از جنبه قوت و ضعف و کمی و زیادی نسبت به یکدیگر متمایزند. برخی در عرصه‌هایی قوی و ورزیده و توانمندند؛ ولی در سایر عرصه‌ها ضعیف‌اند و برخی برعکس (گاردنر، ۱۳۹۲، آی هوش). طرح زیر، انواع هوش‌های انسانی را از نگاه گاردنر به تصویر کشیده است:



**Nature Smart**  
(*Naturalist*)



**People Smart**  
(*Interpersonal*)



**Number Smart**  
(*Logical/Mathematical*)



**Picture Smart**  
(*Spatial/Visual*)



**Self Smart**  
(*Intrapersonal*)



**Body Smart**  
(*Bodily-Kinesthetic*)



**Music Smart**  
(*Musical*)



**Word Smart**  
(*Linguistic*)

امروزه چه‌بسا بتوان حوزه‌ متمایز و برجسته دیگری از هوش را بر حوزه‌های نه‌گانه مورد نظر گاردنر افزود که از آن می‌توان به‌عنوان «هوش سایبر» (cyber smart) یا فضای مجازی نام برد. بر این اساس، اطلاعات عمومی فرد نسبت به فضای سایبر و توانایی وی بر کشف راهکارهای بهره‌برداري بهینه از این فضا را باید در زمره «هوش سایبر» برشمرد.

از میان هوش‌های چندگانه، به نظر می‌رسد هوش وجودی، و به تعبیری هوش هستی‌شناختی، فلسفی‌ترین و معنوی‌ترین هوش انسانی باشد که به پشتوانه آن به پرسش‌های بزرگ و پیچیده‌ای درباره جهان هستی و جایگاه انسان در جهان پاسخ داده می‌شود. پرسش‌هایی نظیر اینکه ما کیستیم؛ این جهان برای چه منظوری است؛ از کجا آمده‌ایم؛ چرا ما اینجا هستیم؛ ما پس از مرگ به کجا خواهیم رفت؛ و...، از جمله پرسش‌هایی‌اند که به کمک هوش جهانی و وجودی به آنها پاسخ داده می‌شود. نوعاً شخصیت‌های بزرگ و برجسته عالم، همچون پیامبران و پیشوایان مکاتب و مذاهب، با برخورداری از این هوش، هر کدام جهان هستی و جایگاه انسان در نظام هستی را بر اساس جهان‌بینی و اندیشه و فرهنگ خویش تفسیر و تعبیر می‌کند (گاردنر، ۱۹۹۹).

جدول ساحت‌های هوشی و تفسیر آنها

ساحت‌های هوشی	تفسیر ساحت‌های هوشی
طبیعی	توانایی درک طبیعت و راه‌های بهره‌برداري درست از آن
بدنی - حرکتی	توانایی کنترل ماهرانه حرکات بدن و استفاده از اشیا
درون‌فردی - شخصی	توانایی درک خود و آگاه بودن از حالت درونی خویش
بین‌فردی - اجتماعی	توانایی ارتباط برقرار کردن با دیگران و فهم آنان
منطقی - ریاضی	توانایی استفاده از استدلال، منطق و اعداد
فضایی - تصویری	توانایی درک پدیده‌های بصری
موسیقی - آهنگین	توانایی تولید و درک موسیقی و اصوات آهنگین
کلامی - گفتاری	توانایی استفاده از کلمات و زبان
وجودی (هستی‌شناختی)	توانایی درک موقعیت و جایگاه خویش در جهان هستی
سایبر - فضای مجازی	مهارت کاربری سخت‌افزار و نرم‌افزار رایانه‌ای

«نظریه هوش چندگانه» ابزاری مناسب و عمومی در اختیار انسان است که او را در یافتن نقاط قوت و ضعف فردی‌اش کمک می‌کند. مفهوم و تفسیر علمی برآمده از چنین نظریه‌ای، ساده به نظر می‌رسد (گاردنر، ۱۳۹۶)، های دکتر). دلایل زیر بیانگر این است که برای انسان دستیابی به یادگیری و یاددهی خلاق، از طریق هوش‌های چندگانه میسر می‌گردد:

۱. یادگیری از طریق هوش‌های چندگانه، فعال‌تر، شادتر و لذت‌بخش‌تر است؛
۲. نه فراگیر و نه معلم، هیچ کدام در فرایند یادگیری - یاددهی از طریق هوش‌های چندگانه خسته و کسل نمی‌شوند؛

۳. کیفیت آموزش و فراگیری از طریق یادگیری به وسیله هوش‌های چندگانه بیشتر است؛

۴. شرایط برای پایداری یادگیری و توانایی ترکیب آموخته‌ها، در این روش مهیاتر است؛
  ۵. برای فراگیران، امکان یادگیری ابعاد مختلف هوششان فراهم می‌گردد؛
  ۶. معلمان می‌توانند به پشتوانه روش هوش‌های چندگانه، به ارائه بهترین روش دوطرفه فرادهی و فراگیری بپردازند.
  ۷. رضایت‌مندی آموزشی فراگیران در این روش بالاتر است (کاردرن، ۱۳۹۳، آی هوش).
- مطالبی که بیان شد، نشان می‌دهد در عرصه آموزش و پرورش، تحت شرایط مقتضی و متناسب با بهره‌گیری از هوش‌بهر فراگیران، می‌توان به ایجاد تحولاتی، دست‌کم روشی و ساختاری، امید بست.

### طرحی برای تنظیم استعدادها

با الهام از رهنمودهای جامع مقام معظم رهبری، به‌ویژه در دیدار معلمان و فرهنگیان و متصدیان امور آموزش و پرورش (ر.ک: سخنرانی در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۶/۲/۱۷، ۱۳۹۵/۲/۱۳، ۱۳۹۴/۲/۱۶ و ۱۳۹۳/۲/۱۷)، همچنین با تکیه بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نظام عمومی و دولتی آموزش و پرورش این ظرفیت را دارد که به‌دور از هرگونه ویژه‌گرایی و برتری‌محوری، با تنظیم طیف‌های گوناگونی از استعدادها، همه فراگیران را از هر قشر و طبقه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی زیر چتر حمایت آموزشی - پرورشی خود درآورد. منظور از تنظیم استعدادها، ابتدای آموزش و پرورش مشترک و جامع بر پذیرش هر سه رده استعداد متوسط و خوب و برتر می‌باشد. در این مقاله، موضعی در قبال افراد ضعیف و دارای استعداد پایین اتخاذ نمی‌شود. چنین افرادی را باید در قلمرو آموزش و پرورش استثنایی رده‌یابی کرد. به بیانی که گذشت، میانگین استعداد انسان‌ها برای فراگرفتن آموزه‌های حکمی و عمل به مفاد رهنمودهای تهذیبی و اقدام برای تزکیه نفسانی، به طور نسبی کافی به نظر می‌رسد. پس به مراتب، میانگین مزبور برای فراگیری دانش‌ها و آداب رسمی مدرسه‌ای که به مراتب ساده‌تر از آموزه‌های حکمی و رهنمودهای تزکیه‌ای است، کافی خواهد بود. در این صورت، نه‌تنها زبانی متوجه استعدادهای برتر نخواهد بود، بلکه منافعی هم نصیب دو رده استعداد خوب و متوسط خواهد شد.

استباه نشود. ما در اینجا از مسائل و مباحثی سخن می‌گوییم که به طور عام در تراز مسائل و مباحث قابل فهم برای عموم در مقاطع مختلف آموزشی - پرورشی قرار دارند. به عبارتی، در اینجا به عموم انسان‌ها و درک آنان نسبت به مباحث عمومی نظر داریم؛ وگرنه می‌دانیم برخی از معارف و تعالیم بشری إشعار به مطالب تخصصی ویژه‌ای دارند که از سطح فهم و درک و استعداد انسان‌های عادی فراتر است. بدیهی است فهم معارفی از این دست، استعداد و شایستگی فراتری در حد استعداد و شایستگی راسخون در دانش می‌طلبد که عموم انسان‌ها نوعاً از آن بی‌بهره‌اند.<sup>۱</sup> مشابه این امور در فضای رسمی آموزشی - تربیتی، مشتمل بر تخصص‌ها و فوق تخصص‌هایی است که گروه اندکی از فراگیران چه‌بسا بتوانند از آن برخوردار گردند. بدیهی است ورود به مباحث و رشته‌های تخصصی،



استعداد و ظرفیت متناسب با تخصص‌ها را می‌طلبد. این امر از محل بحث ما در این طرح خارج است؛ چراکه طرح حاضر، بر آموزش و پرورش عمومی، نه تخصصی، تأکید می‌ورزد. تفکیک و مرزبندی میان فراگیران هنگامی چالش‌برانگیز خواهد بود که بر مبنای مراتب متفاوت استعدادها یا اوضاع متفاوت شخصی و شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی صورت پذیرد.

در جایگاه ارائه یک پیشنهاد، تنظیم استعدادها را می‌توان برحسب موارد با درصدهای متفاوت ۵۰٪ و ۳۰٪ و ۲۰٪ به ترتیب از مجموع افراد دارای مراتب استعدادی متوسط، خوب و برتر سامان بخشید. این درصدگذاری که پایه اولیه طرح تنظیم به شمار می‌رود، به ملاک فراوانی تعداد افراد دارای استعداد متوسط از سویی، و ظرفیت بالای افراد دارای استعداد‌های برتر نسبت به استعداد‌های خوب، و در رتبه بعدی، افراد دارای استعداد‌های خوب نسبت به استعداد‌های متوسط از سوی دیگر، تعیین و انتخاب گردیده‌اند. از آن گذشته، درصدهای طرح تنظیم یادشده، در گام نخست و پیش از هر تجربه عملیاتی و عینی، به مثابه یک فرضیه و در حد یک پیشنهاد عملی ارائه می‌گردد تا پس از بحث و بررسی و تجزیه و تحلیل کارشناسان، به تجربه گذاشته شود و از آن پس به صورت یک ضابطه مورد توجه برنامه‌ریزان آموزش و پرورش قرار گیرد.

به طور نسبی و بسته به شرایط، برخورداری از امکانات و لوازم آموزشی - پرورشی در حد ضرورت و کفایت، از جمله بایدهای کاربردی شدن طرح پیشنهادی است. آرایش مناسب محیط آموزشی-پرورشی، به‌ویژه کلاس درس، در بهینه‌سازی و ارتقای سطح آموزش، بسیار کلیدی و تأثیرگذار است. پیرو طرح حاضر، میزان و کیفیت بهره‌برداری و به کارگیری استعدادها از طیف‌های گوناگون، اصلاح و ارتقا خواهد یافت و زمینه برای رشد و شکوفایی هرچه بیشتر و بهتر سطوح مختلف استعدادها فراهم خواهد آمد.

تنظیم استعداد‌های برتر، خوب و متوسط، الگویی است که اساساً و به طور طبیعی بر نوع خاصی از آموزش و پرورش عمومی تأکید می‌ورزد. نظام عمومی آموزش و پرورش، به سبکی که رایج بوده است، طی سال‌هایتمادی به‌ویژه در دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، از محک تجربه گذشته و آثار خود را به منصفه ظهور رسانده است. اکثر قریب به اتفاق کسانی که به اصطلاح در زمره نسل اول انقلاب قلمداد می‌شوند و امروزه از رجال سیاسی و فرهنگی و قضایی و لشکری و کشوری و عمومی به شمار می‌روند و احیاناً تاکنون پست‌ها و مشاغل حساسی را برعهده گرفته‌اند، افرادی هستند که دوران تحصیلات خود را از صفر تا صد در مراکز دولتی- عمومی به همان سبک رایج گذرانده و به مقام و جایی رسیده‌اند. اما امروزه با توجه به گرایش‌ها، روش‌ها و رویکردهای گوناگونی که در ساختار و محتوای نظام آموزش و پرورش کشور پدید آمده است، طرح تنظیم به سبکی نوآورانه - که این مقاله درصدد تبیین و تشریح آن است - از همه جوانب و زوایای انسانی و محتوایی و شکلی، به صورت کارشناسی شده همراه با دخالت و نظارت کارشناسان و مربیان و روان‌شناسان و استعدادسنجان و مشاوران آموزشی- تربیتی، باید برنامه‌ریزی، پیاده و اجرا شود. بدیهی است در جهت کمال بخشیدن به طرح مورد نظر، هیچ‌گاه بی‌نیاز

از تجارب به دست آمده از گذشته دوران نبوده و نخواهیم بود که این مسلماً بازگشت به عقب تلقی نخواهد شد. به بیانی که گذشت، مهندسی و ساختار بندی ویژه آموزشی- تربیتی در طرح تنظیم استعدادها، با عنایت به نرخ روزآمد شاخص‌ها و برجستگی‌های استعداد آحاد ایرانی، امری ممکن و اجرایی است. به گزارش خبرگزاری ایلنا از پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، بایزید مردوخ، استاد دانشگاه، اظهار داشت: «ایران از نظر شاخص برخورداری از مخزن استعداد، جایگاه دهم دنیا و نخست را در منطقه خاورمیانه دارد؛ اما به دلیل ضعف‌های موجود به خوبی از این ذخیره استعداد استفاده نمی‌شود» (خبرگزاری ایلنا، ۱۳۹۴).

طرح تنظیم استعدادها، در حال حاضر طرح خامی است، که در جابجای یک پیشنهاد علمی- اجرایی لازم است با جلب مشارکت کارشناسانی ویژه، دست‌کم از گروه‌های علمی تعلیم و تربیت، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، به‌ویژه متخصصان سنجش و ارزیابی استعداد، به کمال و شایستگی و بایستگی مطلوب و مورد نظر برسد. برحسب کارشناسی، الگوهای گوناگونی را برای برنامه‌ریزی و اجرای این طرح در نهادهای آموزشی کشور می‌توان در نظر گرفت، که در اینجا بسته به ظرفیت نوشتار حاضر، تنها به بیان یک الگو بسنده می‌شود. این الگو ممکن است از جهاتی ساده به نظر برسد، اما برنامه‌ریزی بر اساس آن و به دنبال برنامه‌ریزی، اجرای دقیق و منضبط آن، به این سادگی نیست و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد.

پیرو این الگوی پیشنهادی، طرح آموزشی فراگیر، مبتنی بر رده‌های استعدادسنجی هر سه گروه متوسط و خوب و برتر، با محاسبه تعداد بیست نفر فراگیر برای هر گروه آموزشی، مهندسی می‌شود. نظر به واقعیت موجود مبنی بر نرخ و میزان فراوانی سطوح سه‌گانه استعدادسنجی- به ترتیب بیشینه متوسط، بینابین خوب و کمینه برتر- مدیریت طرح تنظیم در درجه نخست با تنظیم استعدادها با درصد‌های تحقیقی یا تقریبی زیر میسر خواهد بود. در غیر این صورت، بسته به شرایط مناسب‌ترین صورت تنظیم به اجرا گذاشته خواهد شد. اوصاف سه‌گانه برتر بودن و خوب بودن و متوسط بودن استعدادها، امری نسبی‌اند که بسته به اقتضائات و شرایط حاکم بر هر منطقه و مرکز و ناحیه آموزشی-پرورشی تعیین می‌گردند. بر این اساس، امکان دارد یک گروه دارای استعداد برتر در یک مورد، جزو گروه استعداد خوب یا متوسط در مورد دیگر باشد. به نظر نویسنده، بهتر آن است که در الگوی آموزشی مورد نظر، بر اساس بیشینه و بینابین و کمینه فوق، نرخ ۲۰٪ فراگیران مستعد و خلاق یا دارای استعداد برتر (چهار نفر)، ۳۰٪ فراگیران دارای استعداد خوب (شش نفر) و ۵۰٪ فراگیران با استعداد متوسط (ده نفر) منظور گردد.

تعداد چهار نفر منتخب از میان استعدادهای برتر با راهنمایی معلم و مربی گروه، او را در امر آموزش و پرورش رده دوم، یعنی شش نفر دارای استعداد خوب، همراهی می‌کنند. در نتیجه این همکاری، هم خودشان تقویت می‌شوند و ارتقا خواهند یافت و هم دانش‌آموزان تحت نظر را تقویت می‌کنند و آنان را از نتایج استعداد برتر خویش بهره‌مند خواهند ساخت. تعداد شش نفر منتخب از میان استعدادهای خوب با راهنمایی معلم و مربی گروه، او را در

امر آموزش و پرورش ردهٔ سوم، یعنی ده نفر دارای استعداد متوسط همراهی می‌کنند. در نتیجهٔ این همکاری، هم خودشان تقویت می‌شوند، تا آنجا که چه‌بسا به سطح استعداد برتر نایل شوند و هم دانش‌آموزان تحت نظر را تقویت می‌کنند، تا آنجا که چه‌بسا آنان را از سطح متوسط به سطح خوب ارتقا دهند. بالاخره، تعداد ده نفر منتخب از میان استعداد‌های متوسط، با راهنمایی معلم و مربی گروه و با همراهی ردهٔ دوم و در برخی موارد با پشتیبانی ردهٔ اول، نسبت به بهینه‌سازی وضعیت تحصیلی و تربیتی خود فعال خواهند شد و چه‌بسا رفته‌رفته به دلیل بهره‌برداری مناسب از استعداد متوسط خود، به سطح مستعدین خوب ارتقا یابند.

### لوازم طرح تنظیم

- اجرای طرح تنظیم استعدادها - به حسب آنچه بیان گشت - لوازمی دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:
۱. تلاش پیگیر به منظور تحقق بخشیدن به منویات مقام معظم رهبری و جامعهٔ عمل پوشاندن به رهنمودهای ایشان، مبنی بر ضرورت ایجاد تحولات لازم در ساحت آموزش و پرورش؛
  ۲. ایجاد بسترها و زمینه‌های لازم برای به اجرا درآوردن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش؛
  ۳. اختصاص بودجه و اعتبارات ملی برای تهیه و اجرای طرح بر اساس برآورد هزینه‌های جاری به طور تخمینی و البته تضمینی؛
  ۴. اقدام به پیمایش و آمایش کشوری و استانی و شهری و روستایی برای استعدادیابی و طیف‌بندی استعداد‌های گوناگون؛
  ۵. تعیین گروه‌های سنجش و ارزیابی استعدادها از میان کارشناسان و کارپردازان خبرهٔ سنجش و ارزیابی استعدادها؛
  ۶. تشکیل گروه کارشناسان برنامه‌ریزی برحسب طیف‌بندی و تنظیم استعدادها؛
  ۷. برگزاری دوره‌های کارگاهی و کارورزی طرح تنظیم استعدادها برای مدیران و معلمان و مربیان و دست‌اندرکاران طرح؛
  ۸. تعیین پایلوت‌های گوناگون استانی و شهری و روستایی طرح تنظیم استعدادها (مناطق و محدوده‌های اجرای آزمایشی طرح)؛
  ۹. تعیین مدت زمان لازم برای اجرای آزمایشی طرح (دست‌کم به مدت دو سال: سال اول تجربه‌اندوزی، و سال دوم تجربه بردن به کار) برای تقویت نقاط قوت و رفع نواقص و نارسایی‌های طرح و اصلاح نابسامانی‌های آن؛
  ۱۰. تکمیل و سامان‌دهی طرح تنظیم برحسب شرایط و اقتضائات جاری در هر مورد؛
  ۱۱. اجرای درازمدت طرح تنظیم و گسترش دامنهٔ اجرایی آن در سطح کلان کشوری؛
  ۱۲. مراقبت‌های ویژه به منظور اجرای هرچه بهتر و کم‌آسیب‌پذیرتر طرح تنظیم؛
  ۱۳. غنی‌سازی طرح تنظیم در طول اجرا و به هنگام ضرورت؛

۱۴. نظارت مستمر بر روند اجرای مطلوب و بایسته و شایسته طرح تنظیم با تشکیل و فعال‌سازی گروه بازرسان و ارزیابان؛

در پایان، یادآوری می‌شود طرح تنظیم را می‌توان به موازات سایر طرح‌های جاری در نظام آموزش و پرورش کشور در برخی از نواحی و مناطق به اجرا گذاشت، بدون اینکه متعرض سایر طرح‌ها باشد تا چنانچه به مرور زمان و با تجربه ثابت شد که طرح تنظیم بهترین و کارآمدترین طرح در نظام آموزش و پرورش است، آنگاه جایگزین برخی یا همه طرح‌های جاری گردد.

### ویژگی‌ها و امتیازات طرح تنظیم

طرح تنظیم استعدادها، برخلاف تصور اولیه، نه ناممکن است و نه بی‌بهره از برجستگی‌ها و امتیازات. پیش‌بینی می‌شود چنانچه این طرح به خوبی و شایستگی به اجرا درآید، سرشار از برجستگی‌ها و امتیازاتی خواهد بود که به برخی از آنها به بیان زیر اشاره می‌شود:

۱. جلب مشارکت و همیاری و همکاری فراگیران از طیف‌های سه‌گانه استعداد نسبت به یکدیگر؛
۲. فعال‌سازی زمینه‌های تعامل سازنده میان فراگیران؛
۳. ایجاد روحیه هم‌اندیشی میان فراگیران؛
۴. ایجاد نشاط علمی و تحصیلی در افراد و گروه‌های آموزشی؛
۵. پرورش روح مسئولیت و تعهد در فراگیران نسبت به همدیگر؛
۶. ایجاد شرایط لازم برای ارتقای سطح تحصیلی فراگیران توسط خودشان و البته با هدایت معلمان و مربیان؛
۷. پیشگیری از هدررفت استعدادهای برتر و خوب و متوسط؛
۸. جهت‌دهی صحیح، اصولی و لازم، به طیف‌های سه‌گانه استعداد؛
۹. تقویت بنیه‌های علمی و تربیتی فراگیران به کمک یکدیگر؛
۱۰. مراعات جانب عدالت در ساحت آموزش و پرورش تا حد ممکن؛
۱۱. تقویت روحیه هم‌نوع‌دوستی؛
۱۲. کاستن از هزینه‌های بی‌مورد تحصیلی تحمیل شده بر نظام و خانواده‌ها و فراگیران؛
۱۳. فراهم‌آوری زمینه‌ها برای جهت دادن به تحصیلات و مهارت‌های فراگیران برحسب رابطه دانش و اشتغال؛
۱۴. کمک به تحقق آرمان‌های نظام آموزش و پرورش در سطح کلان.

### قرآن و سنت الهام‌بخش الگوی آموزش و پرورش فراگیر

اکنون با توجه به طرحی که ارائه گردید، اشارتی به رهنمودهای قرآن و سنت، خالی از فایده نخواهد بود. قرآن و سنت و سیره معصومین علیهم‌السلام بیانگر الگویی از تعلیم و تربیت است که متناسب با همه سطوح استعداد و فهم بشری،

مطالب مورد نیاز فراگیران را به آنان از هر طیف و هر قشر و هر سطحی ارائه می‌دهد؛ به گونه‌ای که بدون جداسازی طیف‌های گوناگون استعدادی از یکدیگر، هر شخصی به فراخور استعداد خویش از قرآن و سنت بهره‌برداری و برداشت می‌کند. رویکردی که قرآن و سنت در فراخوانی و جلب همگانی به جانب آموختن امور مهم و حکیمانه و پیراسته شدن از مفاسد و آراسته شدن به کمالات در نظر می‌گیرد، می‌تواند به منزله‌الگویی مناسب برای آموزش و پرورش فراگیر در ساحت‌های گوناگون به کار گرفته شود. از برای نمونه، قرآن ضمن دعوت همه‌آحاد بشر به توحید، موضوع یکتاپرستی را به سبک‌های گوناگون، از ساده تا پیچیده، بیان می‌دارد تا هر کسی به طور طبیعی بتواند از این معرفت قرآنی به خوبی بهره‌برداری کند و پایه‌های ایمان توحیدی خویش را قوی سازد. یک تدبیر اجمالی در برخی از آیات قرآن کافی است تا ما را با سطح‌بندی‌های قرآن در طرح توحید و یکتاپرستی، بیشتر آشنا کند.

۱. سطح پایین (سبک نمایشی): با ارائه یک یا چند مورد نمایش ساده، مطلب روشن می‌گردد. احتجاج جدلی - تمثیلی حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر ستاره‌پرستان و ماه‌پرستان و خورشیدپرستان (انعام: ۷۵-۷۹) را می‌توان در این سطح ارزیابی کرد.

۲. سطح متوسط (سبک مروری): با مراجعه به وجدان و ضمیر خودآگاه و با کمترین تأمل، انسان مطلب را می‌یابد و فهم می‌کند. غالب احتجاجات پیامبران الهی علیهم السلام در همین سطح صورت پذیرفته است. گفت‌وگوی حضرت یوسف علیه السلام با دو هم‌بند خود را می‌توان نمونه‌ای متناسب با این سطح ارزیابی کرد؛ آنجا که فرمود: «هان! ای دو هم‌بند من! (به من بگویند) آیا (اعتقاد به) خدایان پراکنده (در نظر شما) بهتر است یا (ایمان به) خداوند یکتای با اقتدار؟» (یوسف: ۳۹) آیات دیگری از قرآن نیز به همین سطح مربوط می‌شوند؛ از جمله: «ما به زودی نشانگان خویش را در آفاق جهان و در اندرون خود انسان‌ها به آنان ارائه خواهیم داد تا برایشان روشن شود که خداوند حق است (و حقیقت دارد). آیا این امر برای اینکه نشان دهد که خداوند بر هر امری گواه است، کفایت نمی‌کند؟» (فصلت: ۵۳) و از جمله: «... آیا نسبت به (وجود و حضور) خداوند تردیدی وجود دارد؛ خداوندی که پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است؟ ...» (ابراهیم: ۱۰).

۳. سطح بالا (سبک استدلالی - شهودی): درک مطلب، نیازمند اندیشه‌ورزی و به کارگیری دقت و تأمل و بهره‌وری از استدلال و استنباط یا مستلزم رسیدن به مقام کشف و شهود است. دو آیه زیر تا حدود زیادی بیانگر این سطح از فهم و درک هستند: «چنانچه در زمین و آسمان‌ها خدایان گوناگونی می‌بودند (و بر آنها حکمرانی می‌کردند)، امور زمین و آسمان‌ها به تباهی و ویرانی کشیده می‌شد ...» (انبیاء: ۲۲) و «خداوند و فرشتگان و دانشمندان شهادت می‌دهند که جز او خدایی نیست ...» (آل عمران: ۱۸).

ما انسان‌ها در پیشگاه کتاب خدا - بدون توجه به میزان استعداد و هوش‌بهر خویش - همه حکم فراگیران یک کلاس درس در محضر یک استاد فرهیخته و با مهارت را داریم که هر کسی به فراخور حال و توان درک خود،

مطالبی را از کتاب و بیان استاد دریافت می‌دارد. حال چنانچه ما فراگیران را در یک مجموعه آموزشی زیر نظر یک استاد خبیر و با تدبیر انتظام بخشیم تا در تعامل و همبستگی لازم با یکدیگر به فراگیری مطالب کتاب و بیان استاد بپردازیم، قطعاً فراگیری ما از کیفیت بهتر و بیشتری برخوردار خواهد شد.

آیات حکمت در قرآن، دلالت بر استحکام امور حکیمانه می‌کنند. این امور که در آیات قرآنی انعکاس یافته است، در واقع به مثابه چهار کارکرد اصلی مشتمل بر ارتباط انسان با خویشتن، ارتباط انسان با خداوند، ارتباط انسان با دیگران، ارتباط انسان با اشیا و طبیعت، تلقی می‌گردند. قرآن در ارتباط با چهار وجوه ارتباطی، همه آحاد انسانی را مورد خطاب قرار داده و کسی یا کسانی را استثنا نبرده و برای قشر یا اقشار خاصی امتیاز ویژه‌ای قائل نگردیده است؛ یعنی اینکه همه مخاطبین این آیات برای فراگیری امور حکیمانه، همچنین برای آراسته شدن به کمالات اخلاقی و پیراسته شدن از ناپاکی‌ها، به طور نسبی از استعداد لازم و کافی برخوردارند. بدین ترتیب، خطاب‌ها و رهنمودهای قرآن متوجه همه اقشار انسانی از دارا و نادار و صاحب شأن و غیر صاحب شأن است و برای عملیاتی‌سازی آن نیازی به تفکیک رده‌های مختلف استعدادی از ضعیف تا متوسط و خوب و عالی احساس نمی‌شود.<sup>۲</sup> هر شخصی خودش باید - زیر نظر استاد و مربی - برحسب ظرفیت و توان و استعداد خویش از موقعیت‌های آموزشی - تربیتی بهره‌برداری کند.

چنان که اشاره شد، علاوه بر قرآن، سنت و سیره پیشوایان دین نیز نشان می‌دهد که تا چه اندازه می‌توان نظام آموزشی را با ترکیب‌بندی از استعدادهای سه‌گانه پایه‌ریزی و اجرا کرد. این کلام مشهور پیامبر اعظم ﷺ است که فرمود: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرُنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ؛ ما جماعت پیامبران (از جانب پروردگار) سفارش شده‌ایم که با مردم بر حسب اندازه و میزان عقلشان سخن بگوئیم» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ح ۱۵، ص ۲۳). واقعیت این است که چنانچه حضرت در جلسه‌ای با حضور طیف‌های گوناگونی از استعدادهای دست کم متوسط و خوب و عالی، مشغول سخنرانی باشند، در این صورت، به ناچار ایشان در سطحی صحبت می‌فرمایند که هر سه گروه به تناسب معرفتشان و به میزان عقل و درایت خویش از کلام آن بزرگوار بهره‌مند گردند.

از آن گذشته، عموم خطابات عامی که از جانب پیامبر و امامان ﷺ صادر گردیده است، همانند خطابات عام قرآن بیانگر نگاه و عنایت خاصی است که آن بزرگواران، حتی با بیان مسائل حکمی و اعتقادی و کلامی، نسبت به هدایت تمام انسان‌ها از هر طیف استعدادی مبذول می‌داشتند. از منظر آنان، پذیرفته نبود که عده‌ای به دلیل پایین یا متوسط بودن سطح استعدادشان نسبت به هم‌نوعان خود، صرفاً به این دلیل که از نظر استعداد در رتبه‌ای پایین‌تر از دیگران قرار دارند، از نعمت هدایت و عنایت معصومین ﷺ محروم باشند. برای نمونه، به برداشتی از یک روایت به شرح زیر به نقل از پیامبر اعظم ﷺ توجه فرمایید:

ای جماعت مردم! چه کسی در گفتار از خداوند زیباتر، و در روایتگری از او راستگوتر است؟ ای جماعت مردم! پروردگارتان به من امر فرمود تا علی را سرور و امام و خلیفه و وصی خود بین شما قرار دهم و همو را وزیر و برادر

خویش برگزینم. ای جماعت مردم! علی بعد از من دروازهٔ هدایت است که به سوی خدایم فرا می‌خواند و هم‌وازی شایستگیان اهل ایمان است. ... ای جماعت مردم! فرزندان علی فرزندان من هستند و او همسر دخترم. ای جماعت مردم! فرمان علی فرمان من است و نهی‌اش نهی من. ای جماعت مردم! بر شما باد به پیروی از علی و پرهیز از نافرمانی او، که اطاعت از او اطاعت از من است و نافرمانی او نافرمانی من. ای جماعت مردم! ... ای جماعت اصحاب من! به تحقیق شما را نصیحت کردم و پیام پروردگار خویش را به شما رساندم؛ ولیکن شما نصیحت‌کنندگان را دوست ندارید. سختم را اظهار می‌دارم و برای خود و شما از ساحت پروردگارم غفران می‌طلبم (صدوق، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۳۱).

واقعیت این است که چنین سخنانی در جمعی از مردم و اصحاب پیامبر توسط ایشان ارائه شده است که از جنبهٔ استعدادی طبعاً یکسان نبوده و در یک رتبه قرار نمی‌گرفتند. با این وصف، پیامبر به گونه‌ای حقایق را بیان می‌دارند که همهٔ جماعت حاضر در جلسه، مطالب ایشان را درک کنند؛ هرچند در یک سطح از بصیرت و درایت و معرفت نباشند. بیان دو روایت فوق و نظایر آن، نشان از این واقعیت دارند که می‌توان طیف‌های مختلف، از جمله طیف‌های سه‌گانهٔ متوسط و خوب و عالی را در یک مجموعه کنار هم قرار داد و معارفی را به آنان آموخت و نسبت به تربیت و هدایت آنان اهتمام ورزید.

برای نظام آموزش و پرورش، این امر میسر است که با الگوبرداری از رویکرد قرآنی - روایی به تعلیم و تربیت، نسبت به تنظیم و ارائه و اجرای طرح جامعی از آموزش و پرورش فراگیر، بدون تکیه بر جدایش ابتدایی فراگیران با استعداد برتر از سایر فراگیران دارای استعداد متوسط یا ضعیف، اهتمام ورزد و برای عملیاتی‌سازی آن طرح، اقدامات لازم و مقتضی را به عمل آورد. صد البته که این امر به نظر شدنی، و این هدف به نظر دست‌یافتنی است.

### نتیجه‌گیری

در نگاه نخست، روشن شد که بر اساس طرح تنظیم استعدادها در امر آموزش و پرورش، بسته به کمیت و کیفیت تعامل و مشارکت طیف‌های سه‌گانهٔ استعداد با یکدیگر، اولاً وضعیت استعداد‌های برتر با جلب همکاری افراد این گروه در امور آموزشی گروه استعداد‌های خوب تثبیت خواهد شد؛ ثانیاً سطح گروه استعداد‌های خوب با جلب همکاری افراد این گروه در تقویت درک و آموزش گروه استعداد‌های متوسط، به سمت سطح استعداد برتر ارتقا خواهد یافت؛ ثالثاً زمینه برای بالا رفتن میزان بهره‌بری گروه استعداد‌های متوسط تا سطح استعداد خوب فراهم خواهد گشت. در نتیجهٔ مشارکت علمی - آموزشی هر سه گروه در فعالیتهای آموزشی - پرورشی یکدیگر، فضای مناسب برای هم‌اندیشی و هم‌زبانی و هم‌دلی فراگیران به خوبی فراهم می‌آید.

ضمناً با اجرای طرح تنظیم استعدادها، شرایط برای هم‌افزایی علمی بر اثر به وجود آمدن جوی از رقابت سالم و ارزشمند همراه با انس و علاقه‌مندی میان فراگیران، مناسب و مساعد خواهد بود. در این صورت، نه تنها جو و فضا و ساختار و محتوای آموزشی برای معلمان، مربیان و فرگیران شیرین و دلپذیر خواهد شد، بلکه سطح انگیزه‌مندی در روح و روان آنان ارتقا خواهد یافت. تصور می‌رود برای دلگرم کردن فراگیران مستعد نسبت به خدمت هر چه بیشتر و

بهتر به میهن و ملت، و تعالی بخشیدن به سطح آموزشی— تربیتی نظام آموزش و پرورش در تراز و شأن فرهیختگان و نظام جمهوری اسلامی ایران، همچنین برای بسط عدالت آموزشی - تربیتی و استیفای عادلانه حقوق آموزشی هر سه گروه، طرح تنظیم، یکی از بهترین و کارآمدترین الگوها را به دست خواهد داد. بهره‌وری بیشتر از ظرفیت‌های الگوی آموزشی فراگیر استعدادمحور برای تحقق بخشیدن به آرمان‌های الهی - انسانی در سطح ملی و بین‌المللی، یکی دیگر از دستاوردهای طرح مزبور می‌باشد. در این راستا، توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری و عمل به مفاد آنها، همچنین تکیه بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بسیار راهگشا خواهد بود. بدیهی است ارائه و اجرای طرح پیشنهادی حاضر نیازمند جلب نظر فرهیختگان و جذب عنایت و توجه خاص اولیا و مربیان و متصدیان بلندپایه امر آموزش و پرورش کشور است.

در پایان پیشنهاد می‌شود طرح حاضر نخست - با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات زمانی و محیطی و بسته به مهیا بودن جو و فضای انسانی و با جذب اعتبار لازم - در یک یا چند مرکز آموزشی مناسب، هرچند به صورت آزمایشی، به اجرا درآید؛ سپس با تقویت نقاط قوت و برطرف کردن نقاط ضعف طرح، نسبت به گسترش آن، اقدامات لازم به عمل آید.



## پی‌نوشت‌ها

۱. اشاره به قرآن که می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِهٖ كُلِّ مَن عِنْدَ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران: ۷).
۲. در قرآن بیست مورد خطاب «یا ایها الناس» (ای مردم) تکرار شده است که در تمام این موارد، همه درجات و مراتب استعدادی به طور یکسان مورد خطاب الهی قرار گرفته‌اند؛ از جمله: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء: ۱). این در صورتی است که خطاب «یا ایها الذین آمنوا» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید) تنها در چهار مورد آمده است که البته در این چهار مورد نیز بنا نیست کاری بر اساس تفکیک مراتب گوناگون استعداد مخاطبان صورت پذیرد؛ بلکه عموم اهل ایمان از هر مرتبه و سطح استعداد، مخاطب آیات قرار گرفته‌اند؛ برای نمونه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (انفال: ۳۹).



- ابن باویه (صدوق)، محمدبن علی، ۱۳۷۶، *الأمالی*، تهران، کتابچی.
- دیناروند، حسن، ۱۳۹۰، *طراحی آموزشی برای اثر بخشی تدریس*، تهران، آبیژ.
- سمپاد (سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان)، ۱۳۹۱، *اساسنامه سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان*، تهران، سمپاد.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۹، *مصوبات، اساسنامه طرح شاهد*، تهران، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۸، *آیین‌نامه توسعه مشارکت‌های مردمی به شیوه مدیریت هیئت امنایی در مدارس*، تهران، وزارت آموزش و پرورش، شورای عالی آموزش و پرورش.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰، *اساسنامه مدارس نمونه دولتی*، مصوبه هشتصد و چهل و هفتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش، تهران، شورای عالی آموزش و پرورش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- مدیریت پژوهش خبری معاونت خبر صدا و سیما، ۱۳۹۵، نقشه راه آموزش و پرورش، در بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار معلمان و فرهنگیان، ارائه شده در ۱۳/۲/۱۳۹۵، تهران، مدیریت پژوهش خبری معاونت خبر صدا و سیما.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹، *اساسنامه طرح شاهد*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ویلسون، لسلی اون و وینهاوس، دن، ۲۰۱۷م، *کلیدهای کشف و پرورش استعداد در کودکان*، ترجمه: اکرم قیطاسی، تهران، کتاب‌های دانه، مؤسسه صابرین.
- هیئت وزیران، ۱۳۶۷، *آیین‌نامه استقرار مدارس غیرانتفاعی*، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۸، *اساسنامه سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی*، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- Gardner, Howard (1999), *Intelligence Reframed: Multiple Intelligences for the 21st Century*, New York: Basic Books.
- آی هوش، ۱۳۹۲-۲۰۱۳، توری هوش‌های چندگانه هاوارد گاردنر و تأثیر آن در آموزش، بازیابی شده در ۲۹ مهر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در:
- <http://www.ihosh.ir/article/۷۹>. Accessed October 21, 2017.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۳-۲۰۱۴، هوش‌های چندگانه در کلاس درس، بازیابی شده در ۲۹ مهر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در:
- <http://www.ihosh.ir/article/۶۱۱۱۱>. Accessed October 21, 2017.
- اسدی، محمدرضا ۱۳۹۳، کدام مدرسه؟ غیرانتفاعی یا دولتی، بازیابی شده در ۲۶ خرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در:
- <http://mrasadi.ir/2493>. Accessed June 16, 2017.
- باشگاه ایده‌پردازان مسجدی، ۱۳۹۴، مدرسه این بچه‌ها مسجد است!؛ طرحی از مسجد صرافان؛ صنعتگران مشهد، بازیابی شده در ۱۳۹۴/۱۱/۲۶، قابل دسترسی در:
- <http://masjedidea.ir/>. Accessed February 15, 2016.
- بانک اطلاعات مدارس تهران، ۱۳۹۵، مدارس بر اساس نوع: آمار اولیه از ده الگوی مدارس شهر تهران - سرزمین تیزهوشان، بازیابی شده در ۱۳۹۶/۷/۲۹، قابل دسترسی در:
- <http://tizland.ir/schools/search>. Accessed October 20, 2017.
- خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۵، سخنرانی در دیدار معلمان و فرهنگیان به مناسبت هفته معلم، ارائه شده در ۱۳۹۵/۲/۱۳، بازیابی شده در ۱۳۹۶/۶/۲۸، قابل دسترسی در:
- <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id>. Accessed September 19, 2017.

\_\_\_\_\_، ۱۳۹۴، سخنرانی در دیدار معلمان و فرهنگیان به مناسبت هفته معلم، ارائه شده در ۱۳۹۴/۲/۱۶، بازیابی شده در ۱۳۹۶/۶/۲۸، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۶۳۹>. Accessed September 19, 2017.

\_\_\_\_\_، ۱۳۹۳، سخنرانی در دیدار معلمان و فرهنگیان به مناسبت هفته معلم، ارائه شده در ۱۳۹۳/۲/۱۷، بازیابی شده در ۱۳۹۶/۶/۲۸، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26342>. Accessed September 19, 2017.

\_\_\_\_\_، ۱۳۹۶، سخنرانی در دیدار معلمان و فرهنگیان به مناسبت هفته معلم، ارائه شده در ۱۳۹۶/۲/۱۷، بازیابی شده در ۱۳۹۶/۶/۲۸، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۳۶۴۱۵>. Accessed September 19, 2017.

خبرگزاری مهر اخبار ایران و جهان، ۱۳۹۵، نشست مشترک مدیران آموزش و پرورش تهران و امور مساجد. راهکارهای اجرایی طرح پیوند مسجد و مدرسه، بازیابی شده در ۱۳۹۶/۷/۸، قابل دسترسی در:

<http://www.mehrnews.com>. Accessed September 30, 2017.

خبرگزاری ایلنا (خبرگزاری کار ایران)، ۱۳۹۴، یک استاد دانشگاه؛ ایران از نظر شاخص برخورداری از مخزن استعداد جایگاه نخست خاورمیانه، بازیابی شده در ۱۳۹۶/۵/۲۴، قابل دسترسی در:

<http://www.ilna.ir> (Iran Labour News Agency). Accessed August 15, 2017.

معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه‌های علمیه، اداره همکاری با نهادها و سازمان‌های علمی - آموزشی، بی‌تا، الگوی آموزشی - تربیتی امین، طرح تربیتی مدارس امین. قم - تهران، اداره کل همکاری‌های تبلیغی، بازیابی شده در ۲۹ شهریور ۱۳۹۶، قابل دسترسی در:

[http://www.mashhad.zitova.ir/uploads/tarhe\\_tarbeyati.pdf](http://www.mashhad.zitova.ir/uploads/tarhe_tarbeyati.pdf). Accessed September 20, 2017.

وبلاگ تخصصی نظریه گاردنر، ۱۳۹۱-۲۰۱۲، اطلاعات کاربردی هوش وجودی (هستی‌شناختی): فرصت‌های یادگیری در پرورش هوش هستی‌شناختی، بازیابی شده در ۲۶ شهریور ۱۳۹۶، قابل دسترسی در:

<http://www.mniroo۲.blogfa.com/post/۲۷>. September 17, 2017.

Wilson, Leslie Owen (2017). The Second Principle. Available from: [http://thesecondprinciple.com/optimal-learning/ninth-intelligence-existential-cosmic-smarts-2/%20\(Wilson,%20Leslie%20Owen,%202017\)](http://thesecondprinciple.com/optimal-learning/ninth-intelligence-existential-cosmic-smarts-2/%20(Wilson,%20Leslie%20Owen,%202017)).

## رویکرد تربیتی تزکیه و کاربرد آن در محورهای چهارگانه سبک زندگی اسلامی

an-faghihi@qom.ac.ir

علی نقی فقیهی / دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم

دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۳ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۱

### چکیده

هدف پژوهش، بررسی رویکرد تربیتی تزکیه در روایات و کاربرد آن در محورهای چهارگانه سبک زندگی اسلامی است. روش انجام پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که روایات مربوطه با شیوه کیفی تحلیل شده‌اند. از نتایج پژوهش آن است که توأم بودن تهذیب و رشد در این رویکرد، سبک زندگی اسلامی را سامان می‌دهد و در محور ارتباط با خدا، موجب غفلت‌زدایی و رشد شناخت و باور به قوانین الهی، بندگی، شکر و رضایت نسبت به تدبیرهای پروردگار است؛ در محور خویشتن، عامل پرهیز از رفتارهای ضداخلاقی، پرورش عقلائی، بازشناسی و بازسازی فطرت است. و در محور ارتباط با دیگران، باعث پرهیز از رفتارهای ضداخلاقی نسبت به دیگران، تسری دادن تولی و تبری به گستره افراد بشر با محوریت خداوند، تکریم و حسن معاشرت است و در محور جهان هستی، تنزه متربی از افکار غیرعقلانی درباره افعال خداوند، مصون ماندن از آسیب زدن به طبیعت و جلوگیری نکردن از بهره‌مندی انسان‌ها از مواهب طبیعی، شناخت بهتر طبیعت و جهان هستی و مسئولیتش درباره عمران طبیعت، و بهره‌برداری صحیح و به اندازه از نعمت‌های الهی است.

**کلیدواژه‌ها:** رویکرد تربیتی، تزکیه، تهذیب و رشد، کاربرد، سبک زندگی اسلامی.